

چکیده

از آنجایی که تفکر از اهمیت بسزایی برخوردار است علماء آن را عبادت دانسته و در تصحیح تصور، عقیده، سلوک و جهان بینی انسان نقش مؤثر برایش قائل اند که می توان آنرا راهی به سوی ایمان خواند.

درین نوشتار که بحثی تحت عنوان: " تفکر راهی به سوی ایمان " نگاشته شده موضوعات ذیل را احتوانموده است:

نخست معنای لغوی واصطلاحی تفکر، بعد اهمیت و فضیلت آن، سپس از حقیقت تفکر سخن به میان آمده است.

البته راجع به انواع واقسام تفکر و تقسیم آن به پسندیده و غیر پسندیده بحث شده ومجالات آن به صورت تفصیلی مورد بحث وکنکاش قرار گرفته است، وهم از روشهای قرآن کریم راجع به دعوت به تفکر بحث به میان آمده وازموانع آن نیز صحبت شده است.

فوائد و آثار تفکر که از موضوعات مهم در تفکر است، در این نوشتار به تفصیل بررسی و مورد تحقیق واقع شده، شماره واربه نگارش گرفته شده است، و بحث با ذکر نتایج به دست آمده اختتام یافته است.

معلومات مقاله

تاریخ نشر: 1401/05/23

شماره مقاله در ژورنال: 01

تعداد صفحات: 12

شماره نوبتی مجله: 11

کلید واژه ها

تفکر پسندیده، تفکر مذموم،

غذای روح، تفکر در قرآن

معلومات مجله:

مجله علمی پوهنتون سلام، نشرات خویش را از سال 1390 هـ.ش آغاز نموده و دست آورد های زیادی در این زمینه دارد، در ادامه سلسله فعالیت های خویش به تاریخ 1401/03/22 اعتبار نامه خویش را به عنوان یکی از معتبرترین مجله از وزارت محترم تحصیلات عالی کشور به دست آورد، آدرس: افغانستان، کابل، ناحیه چهارم، کلوله پشته، چهار راهی قلعه بست (گل سرخ)، پوهنتون سلام. آدرس ارتباطی؛ وبسایت: <https://salam.edu.af/magazine>، ایمیل: salamuk@salam.edu.af، شماره های تماس: +93202230664 و +93788275275

مقدمه

الحمد لله والصلاة والسلام على خير خلق الله وعلى آله واصحابه و من اهتدى بهداه وبعد! انسان مخلوقی مرکب از عقل، جسد، قلب و روح است و هر یک از این اجزاء نیازمندی و احتیاجات ویژه خود را دارد که از آن تغذیه نماید. الله تعالی برای هر یک غذای مناسبی قرار داده که بوسیله آن تغذیه می شود، قراءت؛ خواندن و مطالعه غذای عقل است، طعام و انواع خوراکی ها غذای جسد، خلوت با نفس و تفکر در آفریدگار مخلوقات و آیات الهی غذای روح است.

از طرف دیگر الله تعالی نظام هستی و کائنات را با صنعت بسیار بدیع و عجیب و با اتقان کامل پروردگاری آفریده و آن را برای انسان مسخر ساخته و ارتباط انسان را با جهان هستی و کائنات ارتباط مسالمت آمیز، با انسجام و تفاعل قرار داده است و الله تعالی در کتاب های ارسالی اش برخی اسرار این کون را برای انسان یادآور شده و

عرصه‌های گسترده‌یی را واگذاشته تا انسان عقل خویش را در کشف و استکشاف آن به کار برده و بر آتش زنه فکر خویش در آن چخماق زند. و از این جهت در بسیاری از آیات قرآنی به دقت نظر و غورنمودن و اندیشیدن در جهان هستی و کائنات فرا خوانده شده و به روش‌های گوناگون مطالبه صورت گرفته است؛ از جمله اسلوب استفهام انکاری بر آنان که حواس ادراکیه خویش را به کار نبسته و مهم‌ترین وظیفه آن را -که تفکر است- معطل قرار داده‌اند الله تعالی می‌فرماید: «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا...» و این‌گونه به صیغه‌های «أَوَلَمْ يَرَوْا...» و «أَوَلَمْ يَنْظُرُوا» و «أَفَلَا يَنْظُرُونَ...» آمده و در مقابل بر آنان که تفکر و تدبر می‌نمایند ثنا و ستایش آمده است. الله تعالی می‌فرماید: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ» (1) ترجمه: "یقیناً در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و رفت شب و روز برای خردمندان نشانه‌هایی است؛ آنانی که الله را ایستاده و نشسته و خفته بر پهلو یاد می‌کنند و در اسرار آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند [و می‌گویند] ای پروردگارا! این [دستگاه شگفت‌انگیز] را بیهوده نیافریده‌یی تو را به پاکی یاد می‌کنیم پس ما را از عذاب دوزخ نگاه دار."

اهمیت تفکر در آیات دیدنی و خواندنی الهی از آن لحاظ است که تفکر سبب افزایش ایمان شده و بر یقین و باورمندی مؤمن می‌افزاید، البته این امر نیازمند آن است که انسان در احکام، بینش درست و آگاهی داشته باشد تا با استمداد از قوه تفکر به حکمت و فلسفه اشیاء و احکام؛ آشنایی حاصل نماید.

تفکر آن مفاهیم ایمانی را که به سبب گناهان غائب شده باشد برای قلب روشن و برملا می‌سازد، و هر نوعی از انواع تفکر دریچه‌یی از دریچه‌های ایمان و روزنه‌یی از حقایق آن را بر قلب انسان می‌گشاید. آنگاه حقایق و معانی ایمانی چون یقین، خشیت، محبت، رجا، توکل، انابت و... در جولان تفکر، برای قلب نمایان می‌گردد، و البته به هر پیمانه‌یی که تفکر با حضور قلب و اعمال عقل صورت گیرد به همان اندازه حقایق ایمانی روشن‌تر، مؤثرتر و خوب‌تر متبلور می‌شود.

با درنظرداشت اهمیت تفکر و نقش آن در تقویت ایمان و افزایش یقین، خواستم نوشتاری را درین مورد ترتیب، پهلوها و جوانب مرتبط به آن را با استناد به نصوص قرآن و حدیث و اعتماد به گفتار علماء و دانشمندان؛ مورد بحث و بررسی قرار دهم تا باشد این نوشته مختصر روزنه‌ی روشنی را به سوی تفکر، فواید، اهمیت، آثار و نتایج آن بگشاید و انگیزه‌یی گردد که خواننده‌گان این مقاله را به عبادت تفکر و تأمل وادارد، و همین اهمیت سبب گزینش این موضوع برای نگارش نوشتاری به نگارنده گردید، و البته مبرمیت موضوع روی اهمیت و نیازی که به آن دیده می‌شود به خواننده محترم پوشیده نمی‌ماند، و اینک غرض توضیح بستر و دست یابی به نتایج مطلوب موضوع را طی مباحث ذیل مورد بحث و بررسی به توفیق پروردگار قرار می‌دهیم :

مبحث اول: مفهوم تفکر

تفکر در لغت:

تفکر در لغت اندیشه کردن، تأمل، اندیشیدن، نظرکردن، تأمل در چیزی، اندیشه، فکر و تعمق⁽²⁾. ابن منظور راجع به معنای تفکر می‌گوید: «فکر و فکر در چیزی اندیشه را به کار بردن است. او می‌افزاید که فکر و فکر و تفکیر به یک معنا اند و تفکر اسم تفکیر است و تفکیر به معنای تأمل و اندیشیدن است⁽³⁾. تفکیر نیز به معنای اندیشه کردن است.»⁽⁴⁾ و بدین سان فیروز آبادی در قاموس المحيط گفته است: «فکر بکسر فاء و به فتح آن اندیشیدن در کاری است مانده "فکره" و جمع فکر افکار است، فکر فیه، و أفکر و فکّر و تفکّر به یک معنا است.»⁽⁵⁾

صاحب المعجم الوسیط راجع به معنای لغوی تفکر گفته است: «تفکر فی الأمر یعنی إفتکر و معنای افتکر: به یاد آورد و عقلش را در امری به کار برد و تفکیر به کاربردن عقل در امر مشکل و دشواری است تا به حل آن دست یابد»⁽⁶⁾.

از مجموع اقوال دانشمندان لغت در مورد تفکر نقاط ذیل به دست می‌آید:

1- ریشه تفکر، تفکیر و افتکر که از مزیدات اند. ماده اصلی و مجرد آنها (ف ک ر) فکر بوده که به معنای استعمال اندیشه و کار برد آن در امری می‌باشد.

معنای مجرد و مزید آنها یعنی فکرة تفکر، تفکیر و افتکار یک‌سان بوده یعنی مزیدات آنها هم لازمی استعمال می‌شود وصله‌ی شان حرف "فی" می‌آید.

2- تفکر در اصطلاح:

جرجانی در کتابش (التعريفات) راجع به تفکر و تدبر می‌گوید: «تفکر عبارت از آنست که قلب با تأمل و نگرش در دلیل، دست اندرکار می‌شود و درتدبر قلب به نگرش در عواقب و نتایج امور می‌پردازد، و هم می‌گوید: تفکر آنست که: قلب برای ادراک و دریافت مطلوب در معانی اشیاء می‌اندیشد.»⁽⁷⁾

ابن القيم می‌گوید: «تفکر عبارت از طلب قلب آن دانش و معلوماتی ر است که از بواذر امر موجود پیدا و حاصل نیست.»⁽⁸⁾

مناوی با تعبیر نسبتاً متفاوت تری تفکر را چنین تعریف می‌کند: «التفکر طلب الفكر وهو يد النفس التي تنال بها المعلومات كما تنال بيد الجسم المحسوسات»⁽⁹⁾.

تفکر جویای اندیشیدن است و آن عبارت از آله و وسیله‌ی است که قلب روح با آن به دریافت معلومات نائل می‌شود آن گونه که با دست بدن محسوسات به دست آورده می‌شود.

راغب راجع به تفکر گفته است: «تفکر همانا نیروی فکری است که علم را به معلوم پیوند می‌دهد، تفکر سیر و جولان همین قوه بر وفق نظر عقل است که ویژه‌ی

انسان بوده برای حیوان نیست، استعمال آن خاص در چیزی است که حصول صورت آن در قلب ممکن باشد؛ ازین‌رو، رسول الله -صلی الله علیه وسلم- فرموده اند:

1- آل عمران: 190-191.

2- دهخدا: علی اکبر دهخدا در سال 1297 تولد و در سال 1324 وفات یافت. لغت نامه دهخدا حرف (تفکر) دانشگاه تهران نشر 1359.

3- ابن منظور: محمد بن مکرم بن منظور افریقایی مصری مشهور به ابن منظور لسان العرب دار صادر بیروت چاپ اول تعداد اجزاء 15 جزء 5 ص: 65 ماده (فکر).

4- لغت نامه دهخدا حرف تا ماده (تفکیر).

5- فیروز آبادی: محمد بن یعقوب الفاموس المحيط ج 1 ص: 589.

6- المعجم الوسیط: مولفین: ابراهیم مصطفی، احمد الزیات، حامد عبدالقادر و محمد النجار ناشر دار الدعوة- تحقیق مجمع اللغة العربية عدد الأجزاء 2 ج: 2 ص: 698.

7- جرجانی: علی بن محمد بن علی السید الشریف الجرجانی: التعريفات ص: 76 تحقیق ابراهیم الانباری، ناشر: دار الکتب العربی بیروت.

8- مفتاح دار السعادة و منشور ولاية العلم والإرادة لابن القيم الجوزية، طبع دار الکتب العلمیة بیروت- لبنان 23/1.

9- عبدالروف المناوی ت 1031 التوقيف علی مهمات التعاریف تحقیق دکتور عبدالحمید صالح حمدان طبع اول: 1410 هـ 1990 عالم الکتب ص: 104.

"تفكروا في آلاء الله ولا تفكروا في الله"⁽¹⁾ یعنی در نعمت های الله متعال تفکر و تأمل نمایید و در ذات الله تفکر مکنید- چون الله تعالی از وصف شدن به صورت منزّه است.⁽²⁾

در میان تعریفات ذکر یافته تفاوتی زیادی دیده نمی شود ولی می توان در زمینه تعریف راغب را ترجیح داد چون نسبت به تعریفات دیگر جامع تر و شامل تر است

1. حقیقت تفکر:

تفکر در حقیقت عبارت از همان سیاحت نورانی و ریاضت ایمانی است که قلب، با وعی و درک کامل و عقل با بیداری تمام با هم در آن در فراخنای ساحات ایمان بدون قید و بند از اطراف زمین و قیود شهوات انطلاق می نماید تا به دریافت حکمت و معرفت و تحقق بخشی معانی ایمان و صعود در درجات عبودیت با هم جمع شوند.

پس تفکر در حقیقت فرصت بزرگی برای کشف ساحات بزرگ، فراخ و شدید العمق در نفس انسان است که رسیدن به آن، در غیر همین اجواء صاف و پاک، ناممکن است؛ اجواء که در آن انوار تدبیر با صفای نفس امتزاج می یابد تا به حقایق عبودیت توأم با ضعف، ناتوانی، عجز و نیازمندی انسان و مشاهدهی کمالات ربوبیت توأم با کمال، جمال و جلال آن دست یابد.

تفکر با یک عملیهی بسیط و آسان آغاز می یابد، با تفکر، قلب متوجه آیات سرسام آور و شگفت انگیز الهی و عظمت قدرت بی پایان او تعالی در آفریدگان شده به جلال و بزرگی او در فعل و تدبیرش متوجه می گردد، البته این در ابتدا طی یک عملیهی آسانی صورت می گیرد که نیاز به مجاهده و سعی و تلاش زیاد ندارد، بعد عملیهی تفکر کم کم ارتقا یافته تا آنکه متفکر در معانی و مقاصد آیات و عمق تأثیر آن ها می اندیشد و تأمل می نماید که البته رسیدن به این درجه به نوعی مجاهدت، سعی و تلاش نیاز دارد، و از عهدهی این کار، کسی بدر شده می تواند که بهره از بصیرت (بینش درونی) داشته و از سمو روحی برخوردار باشد، اینجاست که نور بصیرت نسبت به نور چشم، پیشی می گیرد و از ظواهر اشیاء و پدیده ها به حقایق آنها راه می یابد و فضل منعم را از وراء نعمت مشاهده و درک می کند و قدرت عظیم الله تعالی را در هر حرکت و سکون کاینات و جهان هستی به تماشا می گیرد و از عجائب آیات الهی در آفاق و أنفس و از حکمت عظیم شرع وی، زاد بزرگ ایمانی فراهم می آورد و از همهی اینها شواهدی را بر بزرگی و جلال اسماء و صفات او تعالی، قدرت عظیم و حکمت تقدیرات، به دست می آورد⁽³⁾.

جرجانی راجع به حقیقت تفکر می گوید: «هو احضار ما فی القلب من معرفة الأشياء» تفکر عبارت از حاضر سازی معرفت اشیایی است که در قلب وجود دارد» و هم گفته است: «التفکر مصباح الإعتبار ومفتاح الاختیار وحديقة أشجار الحقایق و معرفة الأنوار الدقایق»⁽⁴⁾ تفکر چراغ کسب حیثیت، کلید انتخاب، بوستان درختان حقایق و [وسیلهی] شناخت روشنائی های دقیق است.

تفکر در حقیقت، یک عملیهی عقلی با درک است که خواستار منطق و شخصی است که اسباب و عوامل مختلف وقایع و رخدادها در یک قضیه مشخص درهم پیچیده را به کار برده می خواهد که منطق و راه حل آن قضیه را فهم و درک نماید، و البته تفکر با افکار چون خیر و شر، حق و باطل، سبب و نتیجه ارتباط وثیق و مستحکمی دارد، تفکر در نتیجه، ما را راجع به عمل و تحلیل اینکه نتیجهی آن عملیه ایجابی یا سلبی، مفید یا مضر، استوار بر حقایق و منطق است - شناسایی می دهد.

مبحث دوم: اهمیت تفکر و فضیلت آن

اهمیت تفکر از آنجا برملا می گردد که قرآن کریم به اسالیب مختلف در عرصه های متعدد انسان ها را به تفکر و تدبیر فرا می خواند و تفکر است که بانی را برای دریافت حقایق می گشاید و روزنهی روشنی را به سوی دقایق، باز می کند.

البته اهمیت و فضیلت تفکر از نتیجه و برآیند آن بخوبی روشن و هویدا می شود:

ابن جزئی مالکی -رحمه الله- می گوید: «فمن تفکر فی عظمة الله اكتسب التعظیم و من تفکر فی قدرة الله استفاد التوکل و من تفکر فی عذابه استفاد الخوف و من تفکر فی رحمة الله استفاد الرجاء و من تفکر فی الموت و مابعدہ استفاد قصر الأمل و من تفکر فی ذنوبه اشتد خوفه و صغرت نفسه.»⁽⁵⁾

ترجمه: (تفکر سرچشمهی هر حال و مقام است؛ بنا بر آن) کسیکه در عظمت الله تعالی تفکر می نماید به تعظیم و بزرگداشت الله تعالی می پردازد و کسیکه در قدرت الله می اندیشد توکل را حاصل می دارد (و به الله متوکل می شود) و هر که به عذاب الهی تفکر می کند خوف [الله تعالی] را کمایی می کند و کسیکه در رحمت الله تعالی تأمل و تفکر می نماید رجاء و امیدواری را در می یابد و کسی در مرگ و ما بعد آن می اندیشد آرزوها و آمالش کوتاه می شود و کسیکه به گناهانش تفکر می کند خوف و هراسش بیش تر و شدیدتر و نفسش حقیر و کوچک می گردد.

برآیند تفکر در عرصه های مختلف و مجالات متعدد نتایج عظیمی خود را دارد که هر یک از آن به خیر، صلاح و فلاح انسان است که بی تردید، بیانگر اهمیت و فضیلت تفکر است.

ابن القيم راجع به فضیلت تفکر می گوید: «التفكير يفيد تكثير العلم والتذكر يحفظه ولهذا قال الحسن مازال أهل العلم يعوّدون بالتذكر على التفكر وبالتفكر على التذكر و ينطقون القلوب، حتى نطقت بالحكمة بالتفكر والتذكر بذار العلم... فالخير والسعادة في خزنة مفتاحها التفكر.»⁽⁶⁾ تفکر در علم افزایش می آورد و تذکر آن را نگاه می دارد بدین لحاظ حسن بصری گفته است: "پیوسته اهل علم با تذکر بر تفکر و یا تفکر بر تذکر بر می گردند و با دلها به گفتگو می پردازند تا آنها به حکمت و

1- این حدیث را طبرانی در المعجم الوسیط به روایت ابن عمر آورده و درجه آن را البانی حسن خوانده است و همچنان ابونعیم در الحلیة از ابن عباس به لفظ: "تفكروا في كل شیء ولا تتفكروا في الله" آورده است و البته احادیث زیادی به این معنی آمده و عجلونی گفته: اسانید این احادیث ضعیف است اما اجتماع این احادیث قوت کمایی می کند و معنای حدیث صحیح است، کشف الخفا: 311/1 والنهائة فی غریب الحدیث 63/1.
2- الراغب الأصفهانی: حسین بن محمد بن المفضل توفی 440 و قیل 470 بنا بر اختلاف که وجود دارد برخی گفته اند بعد از پنجم فونیده، المفردات فی غریب القرآن الکریم ج 643/2.
3- مجلة البیان الكويتية که از طرف رابطة الأدباء الكويتيين به نشر می رسد شماره 268 تاریخ نشر: 2010/10/24 م با تصرف و اختصار.
4- جرجانی: التعریفات ص: 88.
5- ابن جزئی محمد بن احمد بن جزئی الکلبي الغرناطی ابوالقاسم توفی 741 القوانين الفقهية فی تلخیص مذهب المالکية ص: 284.
6- ابن القيم: ابوعبدالله محمد بن ابی ابن ایوب الشهير بابن القيم الجوزية ت 751 مفتاح دار السعادة و منشور ولاية العلم والارادة ج 1 ص: 183.

دانش زبان بگشایند پس تفکر و تذکر بذر علم و دانش اند[ابن القیم بعد از نقل قول حسن بصری می گوید] خیر و سعادت در گنجینه‌یی قرار دارد که کلید آن تفکر است.

تفکر: عبادت الله تعالی با اسماء، صفات و افعالش بوده و انقطاع و بریدن از غیر او تعالی به سوی او، و مداومت و استمرار همین عمل است که ملکه‌ی تفکر و پند پذیری و دوام توجه به سوی الله تعالی را به انسان می رساند، و از آن جایی که تفکر، از بهترین وسیله‌ی شناخت و معرفت الله تعالی برای بندگان می باشد، اشرف العبادات خوانده شده است.

و این هم از فضیلت و اهمیت تفکر است که اسلام به آن، اهتمام نموده و جایگاه انسان متفکر را از سطح عموم، بالا برده در کنار عارفان که لذت محبت و حلالت ایمان را به اساس علم و دانش حاصل می نمایند، قرار می دهد، چون تفکر، علم می آورد و علم باعث سمو و بلندی صاحبش شده او را به درجات بلند ایمان می رساند؛ چون زیادت علم، موجب زیادت و تقویه‌ی ایمان است؛ طوری که الله تعالی می فرماید: [إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ] (1) ترجمه: تنها علماء هستند که از الله می ترسند.

راجع به فضیلت تفکر بی‌هقی در شعب الإيمان از ابو درداء-موقوفاً- روایت می کند که گفته است: «تفکر ساعة خیر من قیام ليلة» (2) یعنی یک لحظه تفکر، از قیام [بر نماز] یک شب، بهتر است.

تفکر وسیله‌ی ذکر و یاد آوری الله تعالی و وسیله شناخت نشانه‌های قدرت عظیم و عجائب صنعت او در کاینات و مخلوقات بوده باعث تحریک قلوب، و به کار اندازی آنها شده حقیقت ربوبیت الله تعالی را در جهان هستی به مشاهده قرار می دهد.

حسن بصری می گوید: «ما زال اهل العلم یعودون بالتذکر علی التفکر وبالتفکر علی التذکر ویناطقون القلوب فاذا لها أسمع وأبصار» (3) پیوسته علماء، با تذکر بر تفکر، و با تفکر بر تذکر بر می گردند و با دلها حرف می زنند تا به حرف آیند، بناگاه که دلها، گوشها و چشمهای دارند، یعنی دلها بیدار شدند و می شنیدند، می دیدند و فهم می کردند، بیداری دل و فهم آنها از مهم‌ترین و بهترین حالت انسان است که به آن دست یابد و مهم‌ترین وسیله‌ی آن تفکر است که موجب تذکر، شده و بعد هر دو باعث بیداری قلب می شود که این بزرگترین فضیلت تفکر است.

مبحث سوم: انواع تفکر

1- تفکر از لحاظ متعلقاتش به طور عام به دو گونه تقسیم می شود:

الف: تفکر خوب، پسندیده و محبوب:

تفکری که الله تعالی آن را دوست دارد و به آن امر، و ترغیب نموده و بنده گان را به آن فراخوانده است، طوری که می فرماید: «أُولَئِكَ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ ۗ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى ۗ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ» (4) ترجمه: آیا [کافران] در ضمیر خود نیاندیشیدند که الله آسمانها و زمین و آنچه را که در میان این هردو است، جز برای اظهار حق، و برای مدت معینی نیافریده است و یقیناً بسیاری از مردم به ملاقات پروردگارشان کافراند. و هم فرموده است: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ ۗ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطُلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ۗ» (5) ترجمه: "یقیناً در آفرینش آسمانها و زمین و آمد و رفت شب و روز، روز، برای خردمندان، نشانه‌ها است، آنانی که الله را ایستاده و نشسته و خفته برپهلوی، یاد می کنند، و در اسرار آفرینش آسمانها و زمین می اندیشند[و می گویند] ای پروردگار! این (دستگاه شگفت انگیز) را بی‌په‌په نیافریده‌ای، ترا به پاکی یاد می کنیم، پس ما را از عذاب دوزخ نگاه دار."

ابن جریر طبری در تفسیر این آیت می نویسد: "فانه یعنی بذلک أنهم يعتبرون بصنعة صانع ذلك، فيتعلمون أنه لا يصنع ذلك الا من ليس كمثله شيء، ومن هو مالك كل شيء ورازقه وخالق كل شيء ومدبره، ومن على كل شيء قدير، ويبيده الإغناء والإفقر والإعزاز والإذلال والإحياء والإماتة، والسعادة والشقاوة." (6) البته مقصود، این است که ایشان از هنرنمایی و کارسازی صانع آن عبرت می گیرند و آنگاه آگاهی حاصل می کنند که این کار را جز کسیکه شبیه و مثل ندارد و کسی که مالک هر چیزی، رازق، خالق و مدبر هر چیز است و کسی که بر هر چیز قادر است، ثروتمند گردانیدن و فقیر ساختن؛ عزت دادن و ذلیل گردانیدن؛ زندگی بخشیدن و میرانیدن؛ سعادت و شقاوت به دست اوست جز او کسی نمی تواند آن را بسازد.

آیاتی که الله تعالی مردم را به تفکر و تدبر جهان هستی، کاینات، آیات خواندنی و دیدنی و نعمتهای آسمانی و زمین دعوت می کند بالاتر از حد شمار است. در تفسیر قرطبی آمده است که الله تعالی سوره‌ی آل عمران را به امر، به نظر و تفکر، در آیاتش پایان بخشیده است. زیرا این سوره -هومه قران کریم- از ذات حی، قیوم، قدوس، سلام، که غنی و بی نیاز از جهانیان است، صادر شده است، تا ایمان شان مبتنی بر یقین بوده بر تقلید بنا شد، ازینرو فرموده [لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ] یعنی آیهایی که عقول خویش را در تأمل دلایل به کار می برند. و از عایشه -رضی الله عنها- روایت است: هنگامیکه این آیه (۱۹۰) بر پیغمبر -صلی الله علیه وسلم- نازل شد بپا خاستند و نماز می خواندند، بلال آمد که ایشان را به نماز خبر دهد، دید که گریه می کنند، گفت: یا رسول الله آیا شما گریه دارید در حالیکه الله تعالی گناهان گذشته و آینده شما را بخشیده است؟ رسول الله -صلی الله علیه وسلم- فرمودند: ای بلال آیا بنده‌ی سپاسگذار و شاکر نباشم؟ و امشب بر من این آیت نازل شد: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ ۗ وَيَل لِّمَن قَرَأَهَا وَلَمْ يَتَفَكَّرْ فِيهَا» (7).

1- فاطر: 28

2- بی‌هقی این اثر را به سند صحیح از ابوداود موقوفا روایت نموده، شعب الإيمان 117 و هكذا ابن المبارک در زهد 949 از طریق دیگری از ابوداود روایت نموده و ابونعیم در الحلیة 271/4 از حسن بصری روایت نموده و اسنادش صحیح است.

3- الفتاوی الکبری تالیف ابوالعباس احمد بن عبد الحلیم بن تیمیة 728 تحقیق محمد عبدالقادر عطا ومصطفی عبد القادر عطا نشر دارالکتب العلمیة الطبیعة الاولى 1408 ج 6 ص 519

4- الروم / 8

5- آل عمران / 1۹۰-۱۹۱

6- جامع البیان فی تفسیر القرآن ابوجعفر ابن جریر الطبری ناشر دارهجر چاپ اول ج 6 ص 309

7- الجامع لأحكام القرآن تالیف ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابی بکر الأنصاری الأندلسی القرطبی ج 4 ص 310

وای برحالی کسی که آیین آیت را می خواند و تفکر نمی کند. این نوع تفکر، تفکر محمود، پسندیده و بلکه مطلوب است؛ تفکری است که انسان را به ایمان پیوند می دهد. شوکانی در تفسیر آیه ی فوق می نویسد: «والمعنى انهم يتفكرون فى بديع صنعهما وإتقانها مع عظم أجرامهما فان هذا الفكر إذا كان صادقا وأصلهم الى الإيمان بالله سبحانه وتعالى»⁽¹⁾

یعنی ایشان در شگفتی صنعت، و آفرینش آسمان و زمین و استواری آنها با بزرگی اجرام شان می اندیشند، و هرگاه این تفکر و اندیشه صادقانه باشد ایشان را به ایمان به الله سبحانه و تعالی می رساند.

ب: تفکر مذموم

یعنی تفکری که الله تعالی آن را نمی پسندد و موجب خشم او تعالی بوده و از آن در شریعت، نهی آمده است. و این نوع تفکر، در عرصه ها و مجالاتی است که انسان توانایی تفکر در آن را نداشته و اصلاً برای انسان، این توانایی داده نشده، و انسان از درک آن ناتوان و درمانده است، این تفکر؛ تفکر در امور غیبی کیفیت و چگونگی آنها و تفکر در ذات الله تعالی است؛ چون تفکر در چنین امور فراتر از حد ادراک، و بالاتر از توانایی و قدرت عقلی انسان است. از اینرو این تفکر، مذموم و ناپسند است، و همچنین تفکر و تفکیر در امور لایعنی و غیر مقصودی، از تفکر مذموم به حساب می آید؛ مانند تفکر در خیالات و اوهام، طوری که ابن قیم در مفتاح دار السعادة گفته است: «واینچنین [از تفکر مذموم است] شخصی که بر خیالات پست و بی مفهوم و آرزوهای بیهوده زندگی می کند؛ چون شخصی فقیر و بینوایی که خود را غنی ترین انسان تخیل نماید به خواب می بیند که او سرمایه دارترین انسان است و در خیالش می آورد که اخذ و عطا می کند، به کسی احسان می نماید و کسی را محروم می سازد؛ و هکذا شخص ناتوان، ضعیف و مغلوبی که خود را از قوی ترین پادشاهان تصور نماید و به فکر و خیالش بیاورد که در شهرها تصرف دارد و امر و نهی می کند و لشکر مملکت خویش را هر طرف ارسال می دارد و بیرق های جنگ را می بندد، این چنین افکار و اوهام و خیالات مذموم بوده از افکار بیکاره گان، کاهلان و بطالان است؛ آنانی که از واقیعت و از تفکر در امور مقصودی، بَدَر رفته به ساحه ی خیال و جهان وهم و گمان شتافته اند.⁽²⁾ با این توضیح، دانسته می شود که تفکر مطلوب و تفکری که راه ایمان و به گفته ی ابن قیم کلید ایمان است، آن تفکری است که الله تعالی بندگانش را به سوی آن، فراخوانده است. ابن قیم می گوید: «ومفتاح الإيمان التفكير فيما دعا الله عباده الى التفكير فيه» یعنی کلید ایمان تفکر است؛ تفکر در آنچه که الله تعالی بندگانش را به تفکر در آن فراخوانده است.

2- تفکر به اعتبار مجالات آن

تفکر به اعتبار مجالات و عرصه های آن، به انواع و اقسام متعددی تقسیم می شود؛ چون عرصه ها و میدان های تفکر، قابل حصر نیست، هر کسی دروازه ی تفکر، را به سوی هر چیزی بگشاید، آیات و نشانه های عجیب صفات الهی را تماشا می کند؛ طوری که در یک بیت از شعری شاعری به نام لبید آمده است: «وفى كل شيء له آية ++ تدل على أنه واحد»⁽³⁾ یعنی در هر چیز، و پدیده ای نشانه ای وجود دارد که دلالت به یگانگی و یکتایی الله تعالی می کند و اینک به برخی از انواع تفکر به اعتبار مجالات آنها اشاره می نمایم:

- 1- انسان در ذاتش به حیث انسان یک مجال بزرگ تفکر است، نفس انسانی از بزرگترین و مهم ترین مجال تفکر انسانی می باشد؛ «وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ»⁽⁴⁾. ترجمه: "و در وجود خودتان [نشانه هایی است] آیا نمی نگرید؟".
«سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ»⁽⁵⁾. ترجمه: "ما به زودی آیات و نشانه های [قدرت] خود را در کرانه های عالم و در نفس های خودشان نشان می دهیم تا برای شان روشن شود که آن حق و راست است".
- 2- عقل نامرئی که به چشم دیده نمی شود، یکی از عرصه ها و مجال های مهم تفکر، می باشد.
- 3- حیوانات، نباتات، کوه ها، دریاها، سنگ و چوب وسایر مخلوقات هر یک عرصه ی تفکر می باشد، الله تعالی می فرماید: «قُلْ أَنْظَرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ»⁽⁶⁾ ترجمه: "بگو بنگرید که در آسمانها و زمین چه چیزهای [از دلایل توحید] موجود است".
- 4- شب و روز، آفتاب و مهتاب و ستاره گان مجال های دیگر تفکر اند. «وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ...»⁽⁷⁾ ترجمه: "و از آیات و نشانه های [قدرت] او تعالی شب و روز و خورشید و ماه است".
«وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ»⁽⁸⁾ ترجمه: "او تعالی شب و روز و خورشید و ماه را مسخر مسخر شما کرد، و ستارگان همه به فرمان او مسخر شده اند، یقیناً درین (امور) نشانه هایی است برای مردمی که درک می کنند".
- 5- بزرگترین مجال تفکر، قرآن کریم است. الله تعالی تفکر و تدبر در قرآن کریم را به اسالیب و شیوه های مختلفی مطالبه نموده است:
* «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا»⁽⁹⁾ ترجمه: "آیا درباره ی قرآن، نمی اندیشند، و اگر این [قرآن] از جانب غیر الله می بود، قطعاً اختلافات فراوانی در آن می یافتند".
* «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبِ أَفْقَالٍهَا»⁽¹⁰⁾ ترجمه: آیا در قرآن، نمی اندیشند یا بردلهای آنها قفل هایی افتاده است.

1- فتح القدير فى فنى الرواية والدراية من علم التفسير تاليف محمد بن علي بن محمد الشوكاني ج 2 ص 60

2- مفتاح بار السعادة تاليف ابن القيم الجوزية ج 1 ص 180

3- بيت از لبید بن ربیعہ در الديوان وموسوعه الشعر آمده وبعضی هم بیت را به نواس نسبت داده اند وبعضی گفته اند از ابوالعتاهیه است مراجعه شود به سایت www.aldiwan.net

4- الذاریات / ۲۱

5- فصلت / ۵۴

6- یونس / ۱۰۲

7- فصلت / ۳۷

8- النحل / ۱۲

9- النساء / ۸۲

10- محمد / ۲۴

* «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لَتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (1) ترجمه: و قرآن را به تو نازل کردیم تا برای مردم تمام آنچه که به تو نازل شده است را، بیان کنی و تا باشد که ایشان ببینند.

ابن قیم می گوید: «التفکری القرآن نوعان: تفکر فيه ليقع على مراد الرب تعالى وتفکر في معانی ما دعا إليه عباده الى التفکر فيه، فالأول تفکر في الدلیل القرآنی والثانی تفکر في الدلیل العیانی، الأول تفکر في آیاته المسموعة والثانی تفکر في آیاته المشهودة ولهذا أنزل الله القرآن ليتدبر ويتفکر و يعمل لا لمجرد تلاوته مع الإعراض عنه»⁽²⁾

تفکر در قرآن دونوع است:

- 1- تفکر در آیات قرآن، تا انسان بر مراد پروردگار واقع شود [و آن را دریابد].
- 2- تفکر در معانی آنچه‌هایی که الله بندگان را به تفکر در آنها فرا خوانده است، اولی: تفکر در دلیل قرآنی است، دومی: تفکر در دلیل عیانی است. اولی: تفکر در آیات شنیدنی و دومی: تفکر در آیات دیدنی است، و بدین سبب الله تعالی قرآن را نازل نموده تا در آن تدبر و تفکر، صورت گرفته مورد عمل قرار گیرد، تنها برای تلاوتی که از لحاظ عمل اعراض از آن صورت گیرد، نازل نشده است.
- 6- جهان هستی به شکل کل، عرصه‌ی بزرگ تفکراست، کون کتاب مفتوحی است که تفکر و تدبر در آن باورمندی و یقین کامل به عظمت آفریدگارش رامی رساند، و رابطه‌ی بنده با الله سبحانه و تعالی را مستحکم می سازد، اتصال بنده با الله به اساس تفکر در جهان هستی که آفریده‌ی پروردگار است، باعث صیقل یافتن روح و تهذیب نفس می گردد، آیات ذیل این ادعا را ثابت می سازد:

* «وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ. وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ. وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ» (3) ترجمه: و در زمین، دلایل روشن و نشانه‌های [فراوان] برای اهل اهل یقین است، و در مورد وجود خودتان (نشانه‌هایی است) آیا نمی‌نگرید؟ و در آسمان، روزی شما است، و آنچه که وعده داده می‌شود.

* «قُلِ انظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا تُعْطِي الْآيَاتِ وَالنُّذُرِ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ» (4) ترجمه: "بگو بنگرید که در آسمانها و زمین، چه چیزهایی (از دلایل توحید) موجود است، ولی این دلایل توحید، نشانه‌ها و بیم دهندگان برای کسانی که ایمان ندارند، سود نمی‌بخشد".

* «أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى. أَلَمْ يَكُ نَاطِقًا مِنْ مَنِيٍّ يُمْنَى. ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ فَخْلَقٍ فَنَسَى. فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى. أَلَيْسَ ذَلِكَ بِقَادِرٍ عَلَى أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَى» (5) ترجمه: آیا انسان می‌پندارد که بیهوده به حال خود، رهایی شود؟ آیا او از نطفه منی نبود که در رحم ریخته می‌شود؟ باز خون بسته‌ای بود، آنگاه آنگاه الله او را آفرید، پس موزون و استوار ساخت، بعد از آن، دو زوج مرد وزن پدید آورد، آیا چنین ذاتی قادر نیست که مردگان را زنده کند؟

7- تفکر در صفات الله تعالی و افعالش از عرصه‌ی بزرگ و مهم تفکراست. مسلمان باید در صفات الله تعالی و در مخلوقاتش روی منهج و روشی که قرآن و سنت ترسیم نموده و سلف صالح به آن رفته‌اند، تفکر نماید. البته تفکر در ذات او تعالی ممنوع و از تفکر مذموم است طوری که قبلاً ذکر شد. زیرا این تفکر، منتج به نتیجه و منجر به علم و دانشی نمی‌گردد، و انسان، نمی‌تواند، که ذات او تعالی را درک کند، چون ناتوان و عاجز بوده نمی‌تواند که کنه روح خویش را که یکی از مخلوقات الله تعالی است، درک نماید، پس چگونه کنه ذات حقیقت آفریدگار عظیم این جهان پهناور و این کاینات سرسام‌آور را بتواند، درک نماید.

8- یکی از مجالات تفکر: تفکر در امور آخرت، شرف، دوام و جاودانگی آن، و تفکر در دنیا، حقارت، ذنات و فانی بودن آنست، ثمره‌ی این تفکر، رغبت در آخرت، و زهد در دنیا است، به هر پیمانیه‌ی که علم و آگاهی راجع به آخرت، احوال و احوال آن بیشتر شود، علاقمندی و میلان دلها به سوی خیر و صلاح بیش‌تر شده جوارح و اعضا نیز به فرمان قلب به کارهای خیر و ترک منکرات به جهد و اجتهاد می‌پردازد.

9- یکی از میدانهای وسیع تفکر: تفکر در نعمت‌ها و احسان‌های بی‌شمار الله تعالی است، الله تعالی انواع گوناگون نعمت‌ها را به انسان و همه آفریدگانش ارزانی نموده و رحمت بی‌پایان خویش را بر آنان، گسترده‌ و از همه مهمتر اینکه بندگان را مورد مغفرت و آمرزش قرار داده است، تفکر درین عرصه و مجال، معرفت، محبت، خوف و رجای الله تعالی را در قلب، ایجاد نموده و استمرار تفکر در اینجا توأم با ذکر الله تعالی قلب انسان را با رنگ محبت و معرفت رنگ می‌دهد که بنده به بهترین مقام تقرب دست می‌یابد.

مبحث چهارم: روش‌های قرآنکریم در دعوت به تفکر

قرآنکریم به اسالیب مختلف و شیوه‌های متعدد انسان‌ها را به تفکر، فرا خوانده است. این تعدد روش از یکسو دلالت بر اهمیت تفکر دارد و ازسوی دیگر تسهیل برای بندگان است، که اگر ازسبب شیوه و اسلوبی به اهمیت تفکر، پی نبردند از شیوه دیگری بدانند و درک نمایند و به تفکر، روی آورده در ایمان و یقین‌شان بیفزایند، این روش و شیوه‌ها قرار ذیل است:

1- شیوه‌ی امر مستقیم و مباشر به تفکر: الله تعالی می‌فرماید: «قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَى خِزْفٍ ثُمَّ تَذَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ...» (6) ترجمه: "بگو من تنها به شما یک اندرز می‌دهم و [آن] اینکه برای الله دو نفر یا یک نفر برخیزید سپس ببینید تا ببینید (تا بدانید) که به همنشین شما هیچگونه دیوانگی نیست..."

وهمچنان فرموده است «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ» (7). ترجمه: قرآن کتابی است پر از برکت، آنرا به سوی تو فرو فرستادیم تا تا در آیاتش ببینند و تا خردمندان، پند گیرند.

1- النحل / 44

2- مفتاح دار السعادة، تالیف ابن القيم الجوزیه ج 1 ص 187

3- الذاریات/ 20-23

4- یونس / 101

5- القیامة / 36 وما بعده

6- سبأ / 46

7- ص / 29

2- اسلوب امر به نظر و تأمل و اندیشیدن: الله تعالى می فرماید: ﴿قُلْ أَنْظَرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا تُغْنِي الْآيَاتِ وَالنُّذُرَ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ (1) ترجمه: "بگو بنگرید در آسمانها وزمین چه چیزهایی [از دلایل توحید] موجود است، ولی این دلایل توحید، نشانه ها و بیم دهندگان برای کسانی که ایمان ندارند، سود نمی بخشد."

3- روش استفهام انکاری: این روش به صیغه های «أَلَمْ تَرَوْا» و «أَوَلَمْ يَرَوْا» و «أَوَلَمْ يَنْظُرُوا» و «أَفَلَا يَنْظُرُونَ» و امثال این صیغه ها که زیاد است آمده، مانند فرموده الله تعالی: «أَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرَاتٍ فِي جَوْ السَّمَاءِ مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا اللَّهُ إِنْ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (2) ترجمه: آیا آنان به سوی پرندگانی که در فضای آسمان رام شده اند، ندیده اند؟ جز الله آنها را نگاه نمی دارد، یقیناً در آن، نشانه هایی است، برای مردمی که ایمان می آورند. و مانند: «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ. وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ. وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ. وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ» (3) ترجمه: "آیا به سوی شتر، شتر، نمی نگرند، که چگونه آفریده شده است؟ و به سوی آسمان، که چگونه برافراشته شده است، و به سوی کوه ها که چگونه برپا داشته شده است، و به سوی زمین که چگونه گسترده شده است؟"

و مانند: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا» (4) ترجمه: "آیا بر قرآن، نمی اندیشند یا بر دلها، قفلهای آنها افتاده است."

4- روش قسم بر مخلوقات: از شیوه های قرآن کریم به تفکر: قسم به مخلوقات است، الله تعالی با سوگند به مخلوقات توجه بندگان را به دلایل واضح و آشکاری که در آفرینش این مخلوقات، بر قدرت الله عزوجل دارد، جلب می نماید، و آنان را متوجه می سازد، که انتخاب این مخلوق به سوگند؛ خالی از سر و اسراری نیست الله تعالی در قرآن کریم به چیزهای زیادی سوگند یاد کرده است؛ مانند: خورشید، ماه، شب، چاشت، انجیر، زیتون، آسمانها و ستارگان و..... این روش در واقع یک نوع دعوت به تفکر در مخلوقات است، که انسانها بنا برسوگند پروردگار به آنها، اهمیت این آفریدگان را درک و در آفرینش آنها تفکر نمایند، تا دلایل قدرت الهی در خلق آنها را، تماشا کنند.

5- روش دیگری دعوت به تفکر: نامگذاری برخی از سوره های قرآن کریم به نامهای موجودات زنده و پدیده های طبیعی است؛ الله تعالی می خواهد از این طریق عقول و اذهان انسانها را به اهمیت آنها در دین و دنیا متوجه و بیدار سازد. الله تعالی سوره های زیادی از قرآن کریم را به این نوع چیزها نامگذاری کرده است مانند: الانسان، البقره، الانعام، النحل، العنكبوت، النجم، الطارق، الشمس، الضحی، الليل، الفجر، العصر، الرعد، الطور و الزلزله و..... بی تردید نامگذاری سوره های قرآن کریم با این نامها، اشاره به اهمیت آنها و اسرار آفرینش و جلب توجه انسانها به تفکر و تدبیر در خلقت و آفرینش آنها دارد.

6- یکی از این روش ها: شیوهی نکوهش و مذمت آنانی است - که به تفکر نمی پردازند و تأمل و تدبر نمی نمایند - می باشد. الله تعالی این چنین اشخاص را به نابینایی، ناشنوایی، گنگ و لال بودن وصف نموده و آنها را گمراه تر از چهارپایان خوانده است؛ طوری که می فرماید: «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصَّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يُعْقِلُونَ» (5) ترجمه: "یقیناً بدترین جنبه گان نزد الله افراد کر و گنگی هستند که نمی فهمند، وهم فرموده: «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ» (6) ترجمه: "آیا آنان در زمین به سیر و گردش نپرداخته اند، تا دلهای داشته باشند که به آن درک کنند، یا گوشهای داشته باشند که به آن بشنوند؟ چرا که این چشمها نیستند که کور می گردند، بلکه این دلهایی که درون سینه ها اند، کور می شوند، وهم فرموده: «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» (7) ترجمه: "ما بسا از جن و انس را برای جهنم آفریده ایم [چرا که] آنان دلهای دارند که با آن نمی فهمند، و چشمهای دارند، که با آن نمی بینند و گوشهای دارند که با آن نمی شنوند، آنها همچون چهارپایان اند، بلکه ایشان گمراه ترند، آنان واقعا غافل و بی خبرند."

7- اسلوب و شیوهی دیگری راجع به تفکر در قرآن کریم تکرار کلمات و معانی است که به تفکر و تعقل ترغیب و فرا می خواند؛ کلماتی چون: يعقلون، يتفكرون و مشتقات آنها و..... بگونه ای مثال: کلمه يعقلون ۲۲ بار، و کلمه يتفكرون ۱۲ بار، مشتقات و دیگر صیغه های تصریفی آنها که بیش تر از ۳۹ بار ذکر یافته است.⁽⁸⁾ 8- از شیوه های مهم دعوت به تفکر و تدبیر مخاطب قراردادن ارباب عقول و خرد است.⁽⁹⁾ در قرآن کریم بیش ترین خطابات، متوجه اصحاب عقول و ارباب خرد و صاحبان عقل می باشد، و البته سِر و فلسفه ای آن اینست که ایشان باید عقول خویش را در تدبیر همان نصوص، و در اهتدا و راهیابی از آنچه که در آن نصوص، آمده است به کار اندازند. بگونه ای مثال:

* «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ» (10) ترجمه: "یقیناً در آفرینش آسمانها و زمین و رفت و آمد شب و روز نشانه های [روشنی] برای صاحبان عقل و خرد است."

* «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَى وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (11) ترجمه: "به حقیقت، درسگذشت آنان [یعنی پیامبران یا یوسف و برادرانش] عبرتی برای خردمندان است."

* «كُلُّوا وَارْعَوْا أَنْعَامَكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي النُّهَى» (1) ترجمه: "[از اینها] خودتان بخورید و مواشی خود را [در آن] بچرانید، یقیناً درین (امور) نشانه های روشنی برای خردمندان است."

1- یونس / ۱۰۱

2- النحل / ۷۹

3- الغاشية / ۱۷-۲۰

4- محمد / ۲۴

5- الانفال / ۲۲

6- الحج / ۴۶

7- الاعراف / ۱۷۹

8- المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الكريم تالیف محمد فواد عبدالباقي ماده فكر ص 525

9- تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان تالیف شیخ عبدالرحمن بن ناصر السعدی ج 1 ص 809

10- آل عمران / ۱۹۰

11- یوسف / ۱۱۱

* « أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِينِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِأُولِي النُّهَى » (2) ترجمه: «آیا برای آنان [اهل مکه] روشن نشده است که چه بسیاری از مردمان [قرن‌های مختلف] را پیش از ایشان نابود کرده ایم که اینک ایشان در منازل آنها گام بر می‌دارند، بی‌گمان درین امر، نشانه‌های روشنی برای خردمندان است».

ابن جریر طبری در تفسیر این آیت می‌گوید: «الله تعالی ذکر این موضوع را به صاحبان عقل خاص نموده زیرا خردمندان اهل تفکر و اعتبار و اهل تدبر و پند و درس اند»⁽³⁾.

9- ارزشیوه‌های دیگر قرآن‌کریم در دعوت به تفکر ضرب‌المثالی به قصد تفکر و تدبر است:

الله تعالی در قرآن‌کریم در آیات متعدد و مجال‌های مختلف مثالها زده و مسلمانان را به تأمل و تدبر به آنها فراخوانده است. سیوطی از ابن ابی حاتم آورده که وی از ربیع بن انس روایت میکند که گفته: الله تعالی ضرب‌المثال‌ها را به اعتبار اعمال بیان کرده است، برای عمل صالح، مثال صالح و برای عمل زشت، مثال زشت.⁴ الله تعالی راجع به بیان هدف این مثالها میفرماید: «وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ» (5) ترجمه: «و الله تعالی برای مردم مثل‌های می‌زند، تا باشد که ایشان پندگیرند». و هم فرموده: «وَتِلْكَ الْأَمْثَالَ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (6) ترجمه: «و این مثالها را برای مردم بیان می‌داریم، تا باشد که ایشان بیاندیشند».

الله تعالی مسیر‌هایی که ازین مثالها انتفاع نبرده اند را توضیح داده می‌فرماید: «وَقَوْمٌ نُوْحٍ لَمَّا كَذَبُوا الرُّسُلَ أَعْرَفْنَاهُمْ وَجَعَلْنَاهُمْ لِلنَّاسِ آيَةً وَأَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ عَذَابًا أَلِيمًا. وَعَادًا وَثَمُودًا وَأَصْحَابَ الرِّسِّ وَقُرُونًا بَيْنَ ذَلِكَ كَثِيرًا. وَكُلًّا ضَرَبْنَا لَهُ الْأَمْثَالَ وَكُلًّا تَبَّرْنَا تَتْبِيرًا» (7) ترجمه: «و قوم نوح هنگامی که پیغمبران را تکذیب کردند، ایشان را غرق نمودیم، و آنان را برای مردم درس عبرتی گردانیدیم، و برای همه ستمگاران عذاب دردناکی آماده کردیم، و عاد و ثمود، اصحاب رس و اقوام و ملت‌های دیگری را که درین میان بودند [نابود ساختیم]، و برای هر یک از آنها مثل‌ها زدیم [و پند و اندرزها گفتیم، و چون نپذیرفتند] هر یک از آنانرا سخت هلاک و نابود کردیم».

ابن جریر طبری در تفسیر این آیات می‌گوید: همه این ملت‌هایی را که نابود ساختیم، آن‌هایی که از آنها نام بردیم و آن‌هایی که نام نبرده ایم، مثال‌هایی برای ایشان زدیم، و ایشان را بر دلایل و صحبت‌های مان آگاهی دادیم، و با درس‌ها و عبرت‌ها عذری برای شان نماندیم، و از ایشان هیچ ملتی را نابود ننمودیم مگر اینکه در رفع معذرت‌شان به ایشان ابلاغ نمودیم.⁽⁸⁾

10- از روش‌های دیگر قرآن‌کریم تعلیل آیات و اختتام آنها با کلمات و صیغه‌های دال بر تدبر و تفکر است: بسیاری از آیات قرآن‌کریم با ذکر عللی پایان می‌یابد که دعوت به سوی تدبر و تفکر دارد بگونه مثال:

- «كَذَلِكَ يَبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»⁽⁹⁾ ترجمه: "بدینگونه الله آیات خود را برای شما بیان می‌کند، تا باشد که شما بفهمید".

- «وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَيُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ» (10) ترجمه: "و الله تعالی به حکم و فرمان خود به سوی جنت و آمرزش فرا می‌خواند، و آیات خویش را به مردم روشن می‌سازد، تا باشد که ایشان پند و عبرت بگیرند".

- «انظُرْ كَيْفَ تُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ» (11) ترجمه: "ببین ما چگونه آیات و نشانه‌های [قدرت خود] را گوناگون بیان می‌کنیم، تا باشد که ایشان بفهمند".

- «فَإِنَّمَا يَسِرَّنَا بِلسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ» (12) ترجمه: "جز این نیست که ما این قرآن را به زبان تو آسان کرده ایم، تا باشد که ایشان پند پذیرند".

ازین قبیل آیات بی شماری وجود دارد که بشکل نمونه به ذکر برخی از آنها اکتفا نمودیم، و بی تردید بنده‌ی با ایمان، همواره تلاش می‌نماید، تا اهداف و غایاتی که آیات قرآنی به خاطر آنها نازل شده است را بداند، و آنرا در زندگی خویش عملی سازد، و البته این کار بدون تدبر در قرآن‌کریم و تأمل و تفکر در لفظ و معنای آن و در سوق و سیاق آن و بدون عمل به اوامر و ارشادات آن، ناممکن است.

مبحث پنجم: موانع تفکر و پی‌آمدهای آن

در بحث‌های گذشته راجع به اهمیت تفکر و جایگاه آن و اهتمام قرآن‌کریم در مورد آن در مباحث جداگانه مورد بحث‌ها و بررسی‌ها قرار گرفت، و به این نتیجه رسیدیم که تفکر، یک عبادت و یک وجیبه دینی و ایمانی و ضرورت انسانی است. اما کدام عوامل، اسباب و موانعی است که انسان را از این وجیبه‌ی مهم باز می‌دارد. ما این موانع را به یاری الله تعالی در این مبحث، مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم:

1- نخستین مانع تفکر غفلت است: و آن عبارت از انهماک و سستی‌پیدن در خواسته‌های زندگی و خواهشات نفسانی و سرگرم و مشغول شدن به آنها و ترک تفکر، در همه مجال‌های آنست، الله متعال می‌فرماید: «إِنَّ الدِّينَ لَا يُرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ. أُولَئِكَ مَاوَاهُم النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (13) ترجمه: "بیگمان کسانی که امید ملاقات ما را ندارند و به زندگی دنیا خشنود شدند و به آن دل بسته اند و کسانی از آیات ما غافل اند، چنین کسانی جایشان دوزخ است به سبب کارهایی که می‌کرده اند".

1- طه / ۵۴

2- طه / ۱۲۸

3- جامع البیان عن تاویل آی القرآن تالیف ابوجعفر محمد بن جریر الطبری تحقیق دکتر عبدالله بن عبدالمحسن التركي ط 1422 ج 16 ص 86

4- الدر المنثور فی التفسیر بالمتنور تالیف الامام جلال الدین السیوطی نشر دار احیاء التراث العربی ط 1—1421 ج 9 ص 86

5- ابراهیم / ۲۵

6- الحشر / ۲۱

7- الفرقان / ۳۷-۳۹

8- جامع البیان تالیف ابن جریر الطبری ج 19 ص 272 وزاد المسیر فی علم التفسیر تالیف ابوالفرج جمال الدین عبدالرحمن بن علی بن محمد الجوزی المکتب الاسلامی دار ابن حزم ط

1- 1423 ج 4 ص 475

9- البقرة / ۲۴۲

10- البقرة / ۲۲۱

11- الانعام / ۶۵

12- الدخان / ۵۸

13- یونس: 7-8

- وهم در همین سوره می فرماید: « **وَإِنْ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ عَنِ آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ** » (1) ترجمه: "و البته بسیاری از مردم از آیات و نشانه‌های ما غافل اند".
- 2- اعراض: اعراض یا روی گردانیدن که عبارت از هروب، فرار و نفرت از دلایل حق است، خواه از روی انکار و وجود باشد، و یا از کسالت و تنبلی از مشفقت تفکرویی آمده‌های تکلیف بر آن بوده باشد، یکی از بزرگترین موانع تفکراست. الله تعالی می فرماید: « **وَكَأَيِّن مِّن آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ** » (2) ترجمه: "و چه بسا از نشانه‌ها و دلایل [دال بر وجود الله] در آسمانها و زمین وجود دارد، که آنها از کنارش می گذرند، در حالی که از آن روی می گردانند". و هم الله تعالی فرموده است: « **وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَّحْفُوظًا وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرِضُونَ** » (3) ترجمه: "و آسمان را سقف محفوظی قرار دادیم اما آنان از نشانه‌های آن روی گردانند".
- و هم فرموده است: « **وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ** » (4) ترجمه: "و هیچ آیه ای از آیات پروردگارشان به کافران نمی رسد مگر آنکه از آن روی گردان می شدند".
- 3- کبر، عناد و غرور: از مهمترین اسباب و عوامل عدم تفکر است، اشخاص متصف به این صفات، آیات و نشانه‌های قدرت الهی را خوب می شناسند، اما آن حقایق که این آیات به آن دلالت دارد را، انکار می کنند.
- اکثر دانشمندان غربی و بسیاری از مستشرقین، مثالها و نمونه‌های زنده‌ی این امرند. الله تعالی می فرماید: « **يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا وَأَكْثَرُهُمُ الْكَافِرُونَ** » (5) ترجمه: "آنان نعمت الله را می شناسند، پس آن را انکار می کنند و بیشترشان کافر اند". و همچنان فرموده است: « **وَوَجَّهُوا بِهَا وَاسْتَيْفَنَتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ** » (6) ترجمه: "آنها ستمگرانه و متکبرانه، معجزات را انکار کردند، در حالی که دلهايشان بران یقین و باور داشت".
- 4- پیروی از هوا و خواهشهای نفس: از مهمترین اسباب مانع تفکراست. پیروی هوا به این معنا است که آراء، نظریات، مواقف، سلوک و شیوه رفتار خویش را روی رغبت، اشتها و پیروی خواسته‌های نفس، بدون استناد به علم، عقل و فکر؛ خوب و بهتر می شمارد، در تفسیر قرطبی در تفسیر این آیه: « **يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ** » آمده: «ای آراء قلوبهم وما يستحسنونه و يحبه لهم الشيطان». (7) یعنی آراء دلهايشان و آنچه را که شیطان برای شان خوب میگرداند را پیروی میکنند. الله تعالی میفرماید: « **فَإِنَّ لِمَ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ اتَّبَعَ هَوَاهُ بَعِيرٌ هُدًى مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ** » (8) ترجمه: "و چه کسی گمراه تر از آن کسی است که از هوای نفس خود، بدون رهنمودی از جانب الله، پیروی کند، حقا که الله گروه ستمکاران را هدایت نمی کند".
- وهم فرموده: « **فَلَا يَصُدُّكَ عَنْهَا مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَتَرْدَى** » (9) ترجمه: "باید که ترا از (ایمان به) قیامت باز ندارد، کسی که به آن ایمان ندارد، و از هوا و هوس خویش پیروی می کند که آنگاه هلاک شوی".
- 5- از عوامل و اسباب دیگر مانع تفکر پیروی شیطان: و کثرت گناهان است، شیطان انسان را از راه الله باز میدارد و گناهان، قلب را تاریک و نابینا می سازد، به این معنی که نور و روشنایی قلب، توسط گناهان ناپدید می شود.
- الله تعالی می فرماید: « **وَإِثْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأُ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ** » (10) ترجمه: "[ای پیغمبر] برای آنها سرگذشت آن کسی را بخوان که ما آیات خود را به او دادیم، ولی او از دستور آنها خارج گشت، پس شیطان در پی او شد، و از زمره گمراهان گردید".
- و در مورد گناهان فرموده است: « **كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ. كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمِنَدٍ لَمَحْجُوبُونَ. ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُو الْجَحِيمِ** » (11) ترجمه: "هرگز [چنین نیست] بلکه آنچه میکرده اند بر دلهايشان زنگار بسته است، همانا آنان در آرزو از [دیدار] پروردگارشان محجوب اند".
- 6- از عوامل عدم تفکر جمود عقلی و تقلید اعمی است: یعنی پیروی از عادات، رسم و رواجهای متعارف هر چند بیهوده، باطل و بی اساس بوده باشد، بدون تبیین، و نظر در آن به دنبال آن برود، مثال این امر در گذشته‌ها و قدیم آنهايي اند که از پدران و پیشوایان خویش در پرستش سنگها و گاوها تقلید می کردند، و در این عصر، آنان اند که از غرب در الحاد و بی دینی وسکولاریزم، دنباله روی می نمایند.
- الله تعالی می فرماید: « **وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْلُو كَانُوا لَئِيمِينَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ** » (12) ترجمه: "و هنگامیکه به آنان گفته شود، از آنچه الله فرو فرستاده است، پیروی کنید، می گویند: آنچه را پیروی میکنیم که پدران خود را بر آن یافته ایم، آیا [از آنان پیروی می کنند] اگرچه پدرانشان، چیزی را نمی فهمیدند، و راه نیافته بودند".
- 7- جهل و نادانی از مهمترین اسباب عدم تفکر است، زیرا جاهل قیمت و ارزش آیات را نمی داند، و مدلول آنها را نمی فهمد، بناء یا توانایی تفکر ندارد، و یا از طرز و طریقه تفکراگاهی ندارد، و از اینرو الله تعالی فرموده است: « **إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ** » (13) ترجمه: "جز این نیست که از بندگان خدا، فقط دانشمندان از او تعالی می ترسند".
- 8- از موانع تفکیر و تفکر ناکاره بودن روش های تربیتی است: بسیاری از روش های تربیتی شیوه های بناء فکری، طرق حوار و گفتگوهای مترقی و پیش رفته را به کار نبسته اصلاً در به سازی راه تفکیر جوانان و نوجوانان از خوردسالی توجه صورت نگرفته است، ضعف و ناتوانی بسیاری از پدران، مدرسین و بی کفایتی آنان نیز در

- 1- یونس 92
2- یوسف 105
3- الانبیا-32
4- الانعام-4
5- النحل-83
6- النحل-14
7- الجامع لاحکام القرآن تالیف امام قرطبی ج 13 ص 295
8- القصص / 50
9- طه / 16
10- الاعراف / 175
11- اللطفین / 10-14
12- البقره / 17
13- فاطر / 28

ثانیاً: خلاصه فواید تفکر:

فواید مهم تفکر را می توان در فقرات ذیل خلاصه کرد:

- اقرار و اعتراف به وحدانیت الله تعالی.
 - زیادت قرب و حصول تقرب بنده به الله تعالی.
 - کشف عجایب آفرینش و صنع حیرت انگیز آفریدگار عظیم.
 - غرس خوف و خشیت الله تعالی در نفس.
 - زیادت در تواضع بنده در برابر پروردگار بزرگ.
 - افزایش محاسبه نفس بر لغزشها و خطاهای آن.
 - باعث پاکیزگی نفس و روشنی و صفایی روح.
 - قلب را زنده و در ایمان و یقینش به قدرت الله تعالی و عظمت او می افزاید.
 - دانش عمیق، نظر صواب و رای استوار به ارمغان دارد.
 - نفس را از نافرمانی و از مخالفت اوامر الله و دساتیر او، دور نگاه می دارد.
 - دروازه های علم و معرفت را باز، و انسان را به فراگیری علوم جدید و مفید قادر می سازد.
 - یقین بنده را در آمدن رستخیزو درایستادن به پیشگاه پروردگار مستحکم، و باورمندی او را در آن قوت می بخشد.
 - بنده را بر کارهای خوب، مستمرو با دوام، بر می انگیزد، تا توشه ای برای روز قیامت داشته باشد.
- اینها و ده ها فواید دیگری که تفکر با خود دارد، بدون تردید، تفکر را در جایگاهی قرار می دهد، که میتوان با صراحت گفت که " تفکر راهی به سوی ایمان است".

نتیجه گیری

1. از خلال تحقیق و بحث که درین نوشتار صورت گرفته نتایج ذیل به دست می آید :
2. تفکر مهم ترین وسیله دریافت حقایق است که با اعمال فکر و تصرف قلب صورت میگیرد.
3. تفکر نوعی از عبادتی است که الله تعالی طی آیات متعددی مسلمانان را به آن فراخوانده است.
4. با تفکر می توان الله تعالی را با همه اسماء و صفاتش شناخت و به عظمت و قدرت بیکران او پی برد.
5. تفکر در امور که بالاتر از حد ادراک و فراتر از حیطه توان عقل باشد تفکر مذموم و ناپسند است
6. مجال تفکر هر دو نوع آیات : تکوینی و تنزیلی بوده تفکر در آیات تکوینی دلیل عینی و تفکر در آیات تنزیلی دلیل قرآنی است.
7. روش متعدد قرآن کریم در دعوت به تفکر بیانگر اهمیت و ارزشمندی تفکر است.
8. موانع تفکر ناشی از عوامل درونی انسان می باشد
9. فواید تفکر به اساس تعدد مجالات آن متعدد است
10. تفکر در حقیقت باز نمودن نظردیده به سوی عجائب حیرت انگیز صنعت و خلقت پروردگار در اسرار و دقائق آفرینش است که با آن عظمت پروردگار در آفرینش تجلی می یابد 10—از خلال این بحث و تحقیق ثابت می شود که تفکر حقا راهی به سوی ایمان است.

مآخذ و مراجع

- 1- الأخطاء المنهجية والتاريخية في مولفات اركون والجابري / دكتور خالد كبير غلال نشر دارالمحتسب طبع اول سال طبع 2008 م
- 2- التاريخ الكبير / ابوعبد الله محمد بن اسماعيل البخاري تحقيق سيد هاشم الندوي تعداد أجزاء 9.
- 3- التعريفات / علي بن محمد بن علي الجرجاني تحقيق ابراهيم الأبياري نشر دارالكتاب العربي بيروت.
- 4- تفسير القرآن العظيم - تفسير ابن كثير / ابوالفداء اسماعيل بن عمر بن كثير ت 770 تحقيق سامي بن محمد سلامة نشر دارالطبيه للنشر- والتوزيع طبع دوم 1420 هـ.
- 5- التفكير والاعتبار / عبدالكريم الحميد طبع اول 1426 بريدة المملكة العربية السعودية.
- 6- التفكير / خالد بن عثمان البت المكتبة الشاملة قسم الكتب الاسلامية العامة.
- 7- التوقيف على مهمات التعاريف / عبدالرؤوف المناوي ت 1031ه تحقيق دكتور عبدالحميد صالح حمدان طبع اول 1410 عالم الكتب.
- 8- تيسير الكريم الرحمن في تفسير كلام المنان / الشيخ عبدالرحمن بن ناصر السعدي نشر موسسه الرساله طبع اول سال طبع 1420 هـ.
- 9- تيسير الوصول الى الثلاثة الأصول / عبدالمحسن بن محمد القاسم طبع اول سال طبع 1427 هـ.
- 10- جامع البيان عن تأويل آي القرآن / ابوجعفر محمد بن جرير الطبري تحقيق دكتور عبدالله بن عبدالمحسن التركي بالتعاون مع مركز البحوث والدراسات الاسلاميه ط سال طبع 1422 هـ.
- 11- الجامع لاحكام القرآن - تفسير القرطبي / ابوعبدالله محمد بن احمد الانصاري القرطبي تحقيق احمد البردوني وابراهيم اطفيش نشر- دارالكتب المصريه القايره.
- 12- الدر المنثور في التفسير بالمأثور / الامام جلال الدين السيوطي تصحيح وتخریج احاديث توسط شيخ نجدت نجيب دار احياء التراث العربي ط سال 1421 هـ.
- 13- زاد المسير في علم التفسير / الامام ابوالفرج جمال الدين عبدالرحمن بن علي بن محمد بن الجوزي المكتبة الاسلامی دار ابن حزم ط سال طبع 1423 هـ.
- 14- سنن الترمذي / ابوعيسى محمد بن عيسى الترمذي تحقيق بشار عواد طبع دارالغرب الاسلامی - بيروت سال طبع 1998 م

- 15- شرح العقيدة السفارينية / شيخ محمد صالح العثيمين.
- 16- صحيح البخاري / محمد بن اسماعيل البخاري نشر دار ابن كثير اليمامة - بيروت طبع سوم 1407هـ.
- 17- الفتاوى الكبرى / تقي الدين ابوالعباس احمد بن عبدالحميد بن تيميه تحقيق محمد عبد القادر عطا ومصطفى عبدالقادر عطا نشر دارالكتب العلمية بيروت لبنان.
- 18- القاموس المحيط / محمد بن يعقوب فيروز آبادي طبع مصر.
- 19- القرآن الكريم.
- 20- القوانين الفقيهيه / ابوالقاسم محمد بن احمد بن جزى الكلبي الغرناطي ت 741.
- 21- لسان العرب / محمد بن مكرم بن منظور افريقي مصري مشهور به ابن منظور دار صادر بيروت طبع اول.
- 22- لغت نامه دهخدا / علي اكبر دهخدا انتشارات دانشگاه تهران تاريخ نشر 1359 هـ.
- 23- المستدرک على الصحيحين / ابو عبدالله محمد بن عبدالله الحاكم النيسابوري تحقيق مصطفى عبد القادر عطا نشر دار الكتب العلمیئ بیروت طبع اول 1411هـ.
- 24- المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الكريم / محمد فواد عبدالباقي دار احیاء التراث العربی بیروت لبنان.
- 25- المعجم الوسيط / مجموعة من العلماء تحقيق مجمع اللغة العربية نشر دار الدعوة.
- 26- مفتاح دار السعادة ومنشور ولاية العلم والاراده / محمد بن آبي بكر بن قيم الجوزيه دارالكتب العلمية بيروت لبنان.